

# پانیوم — شماره بیست

تسلسل دانیال ۱۱ و انذار ۲۰۲۵

Jeff Pippenger

2026-03-02

.La aplicación pionera de la historia que cumplió los versículos diez al dieciséis identificó que Roma, quien estableció la visión, llegó en el año 200 a. C., el mismo año de la batalla de Panio; y yo sostengo que en 2025 Roma llegó y estableció la visión con la investidura de Trump y del papa León. El año 2025 representa la única ocasión en que un papa y un presidente fueron investidos en el mismo año. La bestia y su imagen fueron exaltadas en 2025 para todos los que estén dispuestos a ver. A diferencia de los pioneros, estoy aplicando la secuencia de los versículos, en lugar de la historia que inicialmente cumplió los versículos. Concuero con la historia, pero me baso en una secuencia dentro de los versículos como marco para la historia, en vez de usar la historia para definir el marco de los versículos. Sostengo que ambos enfoques son exactos

## انقلاب مکابیان

من نیز سیر مکابیان را به گونه ای مشابه به کار می برم. قیام مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد، بسیار پس از نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، و بسیار پیش از آن بود که پومپی در سال ۶۳ پیش از میلاد اورشلیم را تصرف کند. آن سلسله ای که از آیه شانزدهم با فتح اورشلیم به دست سردار پومپی در سال ۶۳ پیش از میلاد آغاز می شود، تا تیبریوس قیصر که در زمان مصلوب شدن عیسی سلطنت می کرد ادامه می یابد. صلیب و تیبریوس در آیه بیست و دوم از باب یازدهم نمایان شده اند.

و با بازوان سیلاب از حضور او جاروب خواهند شد و درهم شکسته خواهند گشت؛ آری، همچنین رئیس عهد. دانیال ۱۱:۲۲

پومپی بزرگ که در آیه شانزدهم به فتح اورشلیم در سال ۶۳ پیش از میلاد اشاره دارد، و سپس صلیب در آیه بیست و دو در سال ۳۱ میلادی، نمایانگر خطی از نبوت است که با نمادی از قانون یکشنبه آغاز می شود و با نمادی از قانون یکشنبه پایان می یابد. آیه بیست و سه وقفه ای در این بخش است؛ از این رو آیه بیست و دو را به عنوان پایان خط نبوی ای که در آیه شانزدهم آغاز شده بود، مشخص می سازد. همراه با پایان آشکار این خط در آیه بیست و دو، این واقعیت نیز وجود دارد که آیه بیست و دو نمادی از همان نشانه راهی است که در آیه شانزدهم بازنمایی شده است؛ و بدین سان، شهادت آلفا و امگا را فراهم می آورد که آیات شانزده تا بیست و دو یک خط نبوی متمایز را نمایندگی می کنند.

به این نیز بیفزایید که آیات پانزده و شانزده گذار از پادشاهی سلوکی به قدرت روم را نشان می دهند، و درمی یابید که در تداوم تاریخی از سلوکیان در آیه پانزدهم تا رومیان در آیه شانزدهم گسستی پدید می آید، و سلسله آیات از شانزدهم تا بیست و دو به روشنی به صورت یک خط نبوی یگانه از دیگر بخش ها متمایز است. آیه شانزدهم قدرت بعدی را که بر یهودیه مسلط خواهد شد معرفی می کند، و بدین سان انتقالی در تاریخ نبوی را مشخص می سازد، همان گونه که در آیه بیست و سه نیز چنین است. این خط با نمادی از قانون یکشنبه آغاز می شود و پایان می یابد، و این خط در آیه بیست و دوم از باب یازدهم پایان می پذیرد.

## اسمیت — و سه قیصر

این واقعیت که آیه شانزدهم نمایانگر قانون یکشنبه است، همان گونه که آیه بیست و دوم نیز چنین است، اقتضا می کند که این دو آیه بر یکدیگر منطبق دانسته شوند. اوریا اسمیت درباره آیه بیست و سوم اظهار نظر می کند و توضیح می دهد که چرا این آیه نمایانگر تاریخی است که در گذشته ای دورتر، در بستر تاریخ آیات پیشین، آغاز شده است، نه آن که نمایانگر تاریخی باشد که بلافاصله پس از صلیب آیه بیست و دوم در پی می آید.

«آیه ۲۳. و پس از اتحادی که با او بسته شود، او با نیرنگ عمل خواهد کرد؛ زیرا برخواهد آمد و با قومی اندک نیرومند خواهد شد.»

«او» که عهد مذکور در اینجا با وی بسته می شود، باید همان قدرتی باشد که از آیه ۱۴ موضوع نبوت بوده است؛ و این که آن قدرت، قدرت روم است، به واسطه تحقق نبوت در سه فرد، چنان که پیش تر یاد شد، که به ترتیب بر امپراتوری روم فرمان راندند، و رای هر مناقشه ای آشکار می گردد؛ یعنی یولیوس، آگوستوس، و تیرریوس قیصر. نخستین ایشان، چون در حال ظفر به دژ سرزمین خویش بازگشت، لغزید و سقوط کرد، و یافت نشد. آیه ۱۹. دومی برپاکننده مالیات بود؛ و او در جلال پادشاهی سلطنت کرد، و نه در خشم و نه در جنگ، بلکه با آرامش در بستر خویش درگذشت. آیه ۲۰. سومی حيله گر بود، و از فرومایه ترین شخصیت ها. او به سلامتی بر پادشاهی دست یافت، اما هم سلطنتش و هم زندگیش به وسیله خشونت پایان پذیرفت. و در عهد سلطنت او، رئیس عهد، عیسی ناصری، بر صلیب به مرگ سپرده شد. آیات ۲۱، ۲۲. مسیح هرگز دیگر نمی تواند شکسته یا به مرگ سپرده شود؛ از این رو، در هیچ حکومت دیگری و در هیچ زمان دیگری، نمی توانیم تحقق این وقایع را بیابیم. برخی می کوشند این آیات را بر آنتیوخوس تطبیق دهند، و یکی از کاهنان اعظم یهود را رئیس عهد بشمارند، حال آن که هرگز بدین نام خوانده نشده اند. این همان گونه استدلالی است که می کوشد سلطنت آنتیوخوس را تحقق شاخ کوچک دانیال ۸ جلوه دهد؛ و برای همان مقصود عرضه می شود؛ یعنی تا زنجیره عظیم شواهدی را که به واسطه آن نشان داده می شود که تعلیم ظهور، تعلیم کتاب مقدس است و اینکه مسیح اکنون بر در است، درهم بشکند. اما این شواهد را نمی توان واژگون ساخت؛ این زنجیره را نمی توان گسست.»

«پس از آن که نبی ما را از خلال رویدادهای عرفی امپراتوری تا پایان هفتاد هفته فرود می آورد، در آیه ۲۳ ما را به زمانی باز می گرداند که رومیان، به واسطه پیمان یهود، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد، به طور مستقیم با قوم خدا مرتبط شدند؛ و از آن نقطه، سپس در خطی مستقیم از رویدادها تا پیروزی نهایی کلیسا و برپایی ملکوت جاودانی خدا پیش برده می شویم. یهودیان، که به سختی از سوی پادشاهان سوریه ستم می دیدند، سفارتی به روم فرستادند تا یاری رومیان را درخواست کنند و خود را در «پیمانی از دوستی و اتحادیه» با ایشان داخل سازند. 1 Mac.8؛ Prideaux, II؛ Josephus's Antiquities, book 12, chap.10, sec.6 234. رومیان به درخواست یهودیان گوش فرا دادند و فرمانی برای ایشان صادر کردند که در این عبارت ها تنظیم شده بود:—»

«فرمان مجلس سنا درباره پیمان یاری و دوستی با قوم یهود. بر هیچ یک از کسانی که تابع رومیان اند روا نخواهد بود که با قوم یهود جنگ کنند، یا کسانی را که چنین می کنند یاری رسانند، خواه با فرستادن غله، یا کشتی ها، یا پول؛ و اگر حمله ای بر یهود واقع شود، رومیان تا آنجا که توانند ایشان را یاری خواهند کرد؛ و نیز اگر حمله ای بر رومیان واقع شود، یهود ایشان را یاری خواهند کرد. و اگر یهود بخواهند چیزی بر این پیمان یاری بیفزایند، یا چیزی از آن بکاهند، این امر با رضایت مشترک رومیان انجام خواهد شد. و هر افزوده ای که بدین سان صورت پذیرد، نافذ خواهد بود.» یوسفوس می گوید: این فرمان را اوپولموس، پسر یوحنا، و یاسون، پسر العازر، نوشتند، در زمانی که یهودا کاهن اعظم قوم بود و شمعون، برادر او، سردار سپاه. و این نخستین پیمانی بود که رومیان با یهود بستند، و به این شیوه تدبیر شد.»

«در آن زمان رومیان قومی کوچک بودند و آغاز کردند به نیرنگ رفتار کردن، یا با مکر عمل نمودن، چنان که این واژه بر آن دلالت دارد. و از این نقطه، آنان با صعودی پیوسته و سریع به اوج قدرتی که بعدها بدان دست یافتند، برآمدند.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 270، 271.

نه تنها صلیب آیه بیست و دو سطری را با نمادی به پایان می‌رساند که همان نماد در آغاز آن سطر نیز آمده است، بلکه آیه بعدی به تاریخی بازمی‌گردد که پیش از صلیب بوده است، یعنی تقریباً سی سال پس از پانیوم و تقریباً یکصد سال پیش از آن که روم اورشلیم را فتح کند. نشان راه اتحاد یهودیان که اسمیت در اینجا آن را 161 ق.م. شناسایی می‌کند، از سوی پیشگامان دیگر 158 ق.م. شناسایی شده است. نکته‌ای که من در اینجا بر آن تمرکز دارم، چندان خود تاریخ نیست، بلکه این است که آیات شانزده تا بیست و دو نمایانگر خطی از تاریخ نبوی‌اند که در آن، قانون یکشنبه هم الفای خط است و هم اُمگای آن. سپس، هنگامی که خط آیه شانزده تا بیست و دو ترسیم می‌شود، آیه بیست و سه تاریخ درون خط آیات شانزده تا بیست و دو را تکرار کرده، بر آن بسط می‌دهد. خط نبوی تاریخ که به وسیله آیه بیست و سه نمایانده می‌شود، تاریخ مکابیان است، و تاریخ مکابیان موازاتی کامل با تاریخ ایالات متحده است.

## دو سلسله نسب

مکابیان نمایانگر شورشی بر ضد پادشاهی سلوکی هستند که در دوران سلطنت آنتیوخوس اپیفانیس آغاز شد. این شورش بر ضد پادشاهی سلوکی شمالی بود و به پیروزی‌ای انجامید که به یکی از دو سلسله یهودیه در آن دوره منتهی شد؛ دوره‌ای که در نهایت به ویرانی اورشلیم در سال 70 میلادی انجامید. سلسله نخست، حشمونیان بود و سلسله دوم، هیرودیان. سلسله هیرودی، دومین حکومت یهودیه پس از رهایی از پادشاهی سلوکی شمالی بود. این سلسله به طور مستقیم با نظام روم پیوند داشت، حال آنکه سلسله پیشین حشمونی اساساً یهودی بود. سلسله حشمونی در سال 141 پیش از میلاد آغاز شد و در سال 37 پیش از میلاد سلسله هیرودی آغاز گردید و تا سال 70 میلادی دوام یافت.

سلسله‌ها نمایانگر حکومت یهودیه، آن سرزمین جلال کهن و تحت‌اللفظی، هستند. شورش مکابیان از ۱۶۷ تا ۱۶۰ پیش از میلاد به طول انجامید. در ۱۶۴ پیش از میلاد، مکابیان آنتیوخوس اپیفانیس را از اورشلیم بیرون راندند و پس از آن که آنتیوخوس هیکل را نجس کرده بود، آن را تطهیر و دوباره تقدیس کردند؛ اما تا ۱۴۱ پیش از میلاد نبود که قدرت شمالی سلوکیان به طور کامل مغلوب شد و سلسله حشمونیان آغاز گردید.

سلسله هیرودیان کلید این خط است، زیرا این هیرودیس کبیر بود که فرمان کشتن کودکان را در هنگام تولد عیسی صادر کرد، و پسر او در زمان مرگ عیسی حاکم بود. هیرودیس کبیر پدر بود و بر یهودیه پادشاهی می‌کرد، اما پسرش تنها یک تتراخ بود، یعنی حاکمی بر یک چهارم پادشاهی، همچون والی‌ای بیش از یک پادشاه. از همین رو، او فاقد آن اقتداری بود که او را ناگزیر می‌ساخت برای مصلوب کردن مسیح با پیلاتس ارتباط برقرار کند. تولد عیسی «زمان آخر» نبوی در خط نبوت او بود، و مرگ او نمایانگر قانون یکشنبه است. نخستین هیرودیس نماینده ۱۹۸۹ است، و آخرین هیرودیس قانون یکشنبه است. هیرودیس پدر تا هیرودیس پسر، خط نبوی مسیح است.

خط مکابیان با شورشی پیروزمندانه بر ضد پادشاهی شمالی آغاز می‌شود که آداب و رسوم یونانی، فرهنگ، و نیز دین یونانی را بر یهودیان تحمیل کرده بود. آغاز دودمان حشمونی نمایانگر سال 1798 بود. چرا چنین است، ممکن است بپرسید؟ اگر یک دودمان در یک «زمان آخر» نبوی آغاز شود، چنان که در مورد دودمان هیرودی در هنگام تولد مسیح چنین بود، پس دودمان دیگر نیز به اقتضای ضرورت نبوی باید همان آغاز را داشته باشد. هر دو دودمان با یک زمان آخر آغاز می‌شوند، هنگامی که تولد مسیح را به عنوان «زمان آخر» به کار می‌بریم؛ اما جاهلان هرگز نور گشوده نشده مرتبط با زمان آخر را

نمی‌بینند.

«در زمان ما نیز، همان‌گونه که در روزگار مسیح، ممکن است کتاب مقدس به خطا خوانده یا نادرست تفسیر شود. اگر یهودیان کتاب مقدس را با دل‌هایی صمیمی و آکنده از دعا مطالعه کرده بودند، جست‌وجوی آنان با شناختی راستین از زمان پاداش می‌یافت، و نه تنها از زمان، بلکه همچنین از چگونگی ظهور مسیح. آنان ظهور پرچال‌ثانوی مسیح را به آمدن نخستین او نسبت نمی‌دادند. ایشان شهادت دانیال را داشتند؛ شهادت اشعیا و دیگر انبیا را داشتند؛ تعلیم موسی را داشتند؛ و اینک مسیح در میان خود ایشان حاضر بود، و با این همه، همچنان کتاب مقدس را برای یافتن شواهدی درباره آمدن او جست‌وجو می‌کردند. و آنان همان اعمالی را نسبت به مسیح انجام می‌دادند که نبوت شده بود انجام خواهند داد. ایشان چنان کور شده بودند که نمی‌دانستند چه می‌کنند.»

«او امروزه نیز بسیاری در سال ۱۸۹۷ همان کارها را انجام می‌دهند، زیرا در پیام‌های آزمون‌کننده‌ای که در پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم دربر گرفته شده‌اند، تجربه‌ای نداشته‌اند. کسانی هستند که در پی یافتن دلیلی در کتاب مقدس می‌گردند تا ثابت کنند که این پیام‌ها هنوز در آینده‌اند. آنان دلایل راستی این پیام‌ها را گرد می‌آورند، اما از دادن جایگاه درست آنها در تاریخ نبوی باز می‌مانند. از این‌رو چنین کسان در خطر آن‌اند که مردم را در تعیین جایگاه این پیام‌ها گمراه سازند. آنان زمان آخر را نمی‌بینند و درک نمی‌کنند، و نیز نمی‌دانند که پیام‌ها را در چه زمانی باید جای داد. روز خدا با گام‌هایی پنهانی در حال آمدن است؛ اما مردان به اصطلاح حکیم و بزرگ درباره «آموزش عالی» یا وه‌سرایی می‌کنند. آنان نه نشانه‌های آمدن مسیح را می‌شناسند و نه پایان جهان را.» Paulson Collection, 423, 424.

شناسایی تولد مسیح به عنوان «زمان آخر»، و از این‌رو به منزله کلید وارد ساختن خط مکابیان به زمینه حقیقت حاضر ایام آخر، مسیح را دقیقاً در مرکز این بخش قرار می‌دهد، که این نیز خود دلیلی است بر معتبر بودن این کاربرد.

نسب مکابیان سرزمین جلال روحانی را به تصویر می‌کشد، و این تصویر از دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن شهروندان سرزمین جلال از سلطه سیاسی و مذهبی پادشاه شمال جدا می‌شوند. قیام مکابیان که به دودمان حشمونی انجامید، نمایانگر ۱۷۷۶ است، و شورش بر ضد پادشاه شمال که به وسیله مکابیان به انجام رسید، نمایانگر جنگ انقلاب بود. بیست‌ودو سال ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ نمایانگر شورش مکابیان است که به دودمان حشمونی در زمان آخر در ۱۷۹۸ انجامید، و این تا آغاز دودمان هیرودی در زمان آخر در ۱۹۸۹ ادامه یافت. دودمان هیرودی تا ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی ادامه یافت.

آنچه در این خط تاریخ شناختن آن مهم است، دو جنبه دارد: نخست آن که تصویری است از سرزمین جلال کهن که نمونه سرزمین جلال جدید است؛ و دوم آن که در درون خطی از تاریخ آغاز می‌شود که از آیه شانزده شروع می‌گردد، جایی که روم برای نخستین بار سرزمین جلال را فتح می‌کند، و بدین‌سان مضمون اصلی آن خط را مشخص می‌سازد. خط آیه شانزده تا آیه بیست‌ودو نمایانگر سرزمین جلال است، و بستر آن شریعت یکشنبه‌ای است که به زودی خواهد آمد. این خط همچنین نمایانگر دو طبقه از عبادت‌کنندگان است که بر هر دو حکومت دودمانی تأثیر می‌گذارند. صدوقیان از نظر شمار کمتر بودند، اما عموماً نظام‌های دینی و سیاسی یهود را در هر دو دوره دودمانی در اختیار داشتند. نظام دینی به وسیله کهناتی اداره می‌شد، و آن کهنات نیز از هر دو گروه صدوقیان و فریسیان تأثیر می‌پذیرفت. حکومت‌های حشمونی و هیرودی هر دو از فریسیان و صدوقیان تأثیر پذیرفته بودند، و این دو دودمان نمایانگر حکومت ایالات متحده از 1798 تا شریعت یکشنبه هستند.

فریسیان و صدوقیان نماینده دو جناح از گرایش‌های سیاسی‌اند که موضع آنان در مسئله برده‌داری، ایشان را از یکدیگر متمایز می‌سازد. دموکرات‌ها طرفدار برده‌داری‌اند و جمهوری‌خواهان مخالف برده‌داری؛ و این هر دو با دستگاه سیاسی حکومت مشروطه ایالات متحده در تعامل‌اند. آن حکومت همان وحش زمین مذکور در مکاشفه سیزدهم است، و تاریخ بیرونی وحش زمین به وسیله شاخ جمهوری‌خواه آن نمایانده می‌شود. تاریخ درونی آن به وسیله شاخ پروتستان نمایانده می‌شود. شاخ‌ها بر آن وحش از یکدیگر جدا هستند، زیرا آن وحش همان قانون اساسی است که شاخ دولت را از شاخ کلیسا جدا می‌سازد، اما در سراسر تاریخ با یکدیگر حرکت می‌کنند. شاخ جمهوری‌خواه دو تأثیر دارد: یا به سود برده‌داری یا بر ضد آن. شاخ پروتستان نیز دو تأثیر دارد: یا به سود سبت روز هفتم یا به سود روز نخست خورشید.

تقریباً سی سال پس از نبرد پانیوم، مکابیان تاریخ ایالات متحده را به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس نشان‌گذاری می‌کنند. سپس تقریباً یک قرن بعد، آیه شانزدهم تحقق می‌یابد، آنگاه که اورشلیم فتح می‌شود و نمونه صلیب را مجسم می‌سازد. یهودیه دومین سه مانعی است که روم در مسیر به دست گرفتن سلطه جهان، آن را مطیع می‌گرداند. ژنرال پومپه در سال 65 پیش از میلاد سوریه را فتح کرد، و سپس در سال 63 پیش از میلاد یهودا را. آگوستوس قیصر سومین مانع را در نبرد آکتیوم در سال 31 پیش از میلاد فتح می‌کرد. این تاریخ در خط آیات شانزدهم تا بیست‌ودو نمایانده شده است.

تا زمان صلیب، تاریخ مکابیان نزدیک به دویست سال در جریان بوده است. اوریا اسمیت مشخص می‌سازد که تاریخی که به وسیله پیمان با یهودیان در آیه بیست‌وسه نمایانده شده است، باید با نقطه آغازی در تاریخ منطبق گردد که نزدیک به دویست سال پیش از تاریخ صلیب در آیه بیست‌ودو رخ داده بود. تاریخ صلیب در آیه بیست‌ودو باید با آیه شانزده منطبق شود، زیرا آیه شانزده نیز همان قانون یکشنبه است. این بدان معناست که خط مکابیان، که تاریخ سرزمین جلال یهوداست، بسیار پیش از قانون یکشنبه آیه شانزده آغاز می‌شود.

هنگامی که درمی‌یابیم تاریخ میلریتی تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشد، می‌توانیم زمان آخر را برای میلریتیان در ۱۷۹۸ با زمان آخر را برای یکصد و چهل و چهار هزار در ۱۹۸۹ منطبق سازیم. هنگامی که این کار را انجام می‌دهیم، تاریخ فرشته اول و دوم را بر تاریخ فرشته سوم منطبق می‌سازیم. ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹ نشانه‌های آلفا و امگای تاریخ آیه چهل دانیال یازده هستند.

آیه چهل از «زمان آخر» آغاز می‌شود که به آسانی می‌توان ثابت کرد همان سال 1798 است؛ و هنگامی که به درستی فهمیده شود، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1989، تحقق آیه چهل بود، و آن تحقق نیز «زمان آخر» بود. دو «زمان آخر» در یک آیه، که در همان فصلی قرار دارد که خط مکابیان نیز در آن آمده است. قیام مکابیان که به دودمان حسمونی انجامید، نمایانگر بیست‌ودو سال از 1776 تا 1798 است. در 1798 دودمان حسمونی آغاز شد و دودمان هیروودی در 1989 آغاز گردید.

آیت دهم دانیال یازدهم سال 1989 را مشخص می‌کند، و آیت شانزدهم قانون یکشنبه است. خط تاریخ درون آن آیات نمایانگر سه نبرد، زوال یک پادشاه جنوبی، و ورود روم به تاریخ نیوی است. همچنین خط دو سلسله را در بر دارد که نمونه‌وار دگرگونی‌ای را مجسم می‌سازند که هنگامی رخ می‌دهد که وحش زمین در مکاشفه سیزده، که «دو شاخ مانند بره داشت» و «همچون اژدها سخن می‌گفت»، ظاهر می‌شود. به صورت متوالی، نخستین سلسله یهودی، بره است و دومین سلسله رومی، اژدها. سلسله نخست یهودی بود، سلسله دوم رومی. خواه یهودی و خواه رومی، وحش زمین دو شاخ داشت.

د ت ن ط ل س ی م و ر و ا ، ی و ک ی ل و ز ا ت س ا ر ک ن ی ت ن ا ت س ت و ر پ د ت ن ط ل س ی د و ه ی  
 ی ر ل ش ی و ی و ب ن ه و ی و و د م ه ه ن و ر ک ن ی ه ر ا و د . ی و ک ی ل و ز ا ت س ا ر ک ن ی ل ا پ ی ر و ه م ج  
 د ض ا ی م ا ل غ د ی ک ل ب ا ق م ه پ و ن ا ت ا ر ک و م ی د و ل ا پ ا ی م ا ل غ د ن ا ی س ی ر ف و ا ن ا ی ق و د ص  
 ش ی و ی ن و گ ا ه و د ه و ی و ل غ ی پ و ه و پ ا ن د ه گ ن ر ا د م ه و ا ؛ ی و ر ب ا ر ب ت ا ک و چ و ل ا پ ی ر و ه م ج  
 ه پ و ل غ ی پ و ه و پ ا ن د ، ن ا ی س ی ر ف . ی ک ه ل ب ا ق م ه پ و ل غ ی پ و ر ا ی ن ی و ه د ، ی و ک ی ل و ز ا ت س ا  
 ی م ی و د ه پ د ب ع م د ن ا ی ق و د ص و ا ، ی ر ی ک ه ی ف ص ت ی ک ی ل ی ه ن ی ن م و ل ه پ ، ه گ و ت  
 ه ل و ک ه و ع د ، ر ی خ ه پ ا س ی ل ک د س ی د ر ا س د ، و ن ا ی س ی ر ف . ی ر ی ک ه ی ف ص ت ی ک ی ن و ک ا پ  
 ی ا د خ د ی چ ، ن ا ی ق و د ص ا ی ب ؛ ی ر ی ک ه ی ف ص ت ی م و ل و ا ، و و ه ی م و خ ، ی ر ل م و ن د ن و ژ د ی چ  
 ر ک و ر ا ک ن ا م ه ی ه خ م ا غ ی پ و ا ت ر د ق ه ل ی غ ی چ د ی پ ش ی م ی ن د ، ه و ا ر ا ک ن ا ی ت ر د ق  
 و ی ن د ی چ ی د ن ا س ک ه غ ن ا ی ق و د ص ؛ ی ر ی ر ی ت ی ر ت ی چ ی د ک ل خ د ع د ه غ ن ا ی ق و د ص  
 ی و ک ه ن س ب و ت ا س ا س ح ا ه پ و ف ط ا و ع

«آمدن مسیح، چنان که در پیام فرشته اول اعلام شده بود، چنین فهمیده می شد که با آمدن داماد  
 به تصویر کشیده شده است. اصلاح گسترده ای که تحت اعلام آمدن قریب الوقوع او پدید آمد، با  
 بیرون رفتن باکره ها مطابقت داشت. در این مثل، همانند مثل متی 24، دو دسته نمایانده شده اند.  
 همه چراغ های خود، یعنی کتاب مقدس را، برگرفته بودند و با نور آن برای استقبال داماد بیرون  
 رفته بودند. اما در حالی که «نادانان چراغ های خود را گرفته، هیچ روغن با خود برنداشتند»،  
 «دانایان با چراغ های خود در ظرف های خویش روغن برگرفتند.» دسته اخیر فیض خدا را، یعنی  
 قدرت نوساز و روشنگر روح القدس را، دریافت کرده بودند؛ همان قدرتی که کلام او را چراغی  
 برای پاها و نوری برای راه می گرداند. آنان در ترس خدا، برای آموختن حقیقت، کتب مقدس را  
 مطالعه کرده بودند و با جدیت در پی پاکی دل و زندگی بودند. ایشان تجربه ای شخصی و ایمانی  
 به خدا و به کلام او داشتند که با نومییدی و تأخیر نمی توانست واژگون شود. دیگران «چراغ های  
 خود را گرفته، هیچ روغن با خود برنداشتند.» آنان از روی انگیزش عمل کرده بودند. پیام پرهیبت  
 ترس های ایشان را برانگیخته بود، اما بر ایمان برادران خود تکیه کرده بودند و به نور لرزان  
 احساسات نیک بسنده می نمودند، بی آنکه حقیقت را به درستی دریابند یا در دل عمل راستین  
 فیض صورت گرفته باشد. اینان برای استقبال خداوند بیرون رفته بودند، سرشار از امید به  
 چشم انداز پاداشی فوری؛ اما برای تأخیر و نومییدی آماده نبودند. هنگامی که آزمون ها فرا رسید،  
 ایمانشان از پای درآمد و چراغ هایشان کم نور سوخت.» The Great Controversy, 393.

چه سیاسی باشند و چه مذهبی، هر دو طبقه در بحران نیمه شب بر ضد حکیمان متحد می شوند. با  
 بیان این مطلب، ما مقاله را با طرح این نکته آغاز کردیم که آیه چهارده را بر اساس جایگاه آن در جریان  
 آیات به کار می برم، در تعارض با توالی تاریخی ای که آیات بازنمایی می کنند. این منطق را در موافقت  
 با جایگاه آیه بیست و سه به کار می گیرم. جایگاه یک waymark باید با تحقق تاریخی آن متناظر باشد.  
 اتحادی که یهودیان در دوره زمانی مکابیان با روم بستند، تعیین کرد که آیه در کجا به کار برده شود.  
 «دزدان» آیه چهارده، که رؤیا را برقرار می سازند، این کار را در سال ۲۰۰ ق.م. انجام دادند، همان سال  
 نبرد پانیوم؛ اما نبرد و دزدان دو نماد متفاوت اند.

«غار تگران» به بخشی از روایت بدل می شوند، نه برای آن که پیوندی مستقیم با تاریخ نبرد پانیوم  
 برقرار شود، بلکه برای آن که نسبتی را مشخص سازند که ایشان با فرمانروای پنج ساله و تضعیف شده  
 مصر برقرار کردند؛ همان کسی که در شرف شکست خوردن از آنتیوخوس بود. آنان نمی خواستند در  
 واردات گندم مصر به امپراتوری روم اختلالی پدید آید. رابطه نبوی روم با پادشاه آسیب پذیر پنج ساله  
 مصر، موضوع این آیه است. آن شفاعت، پیامدهای پس از فروپاشی ای را مشخص می سازد که در پی  
 تلاش پوتین برای داخل کردن تابعیت کلیسای اوکراین به کلیسای روسیه، چنان که پیشتر و پیش از  
 1989 بوده است، پدید می آید. آن تلاش، آغاز زوال تدریجی پادشاهی جنوبی او را رقم می زند، و

هنگامی که پوتین بمیرد، چنان‌که بطلمیوس مرد، یا به‌گونه‌ای به تبعید افکنده شود، چنان‌که عزّیا و ناپلئون شدند، او از نظر نبوی برکنار می‌گردد و آنگاه پادشاهی‌اش به دست رشته‌ای از رهبرانی کم‌کفایت‌تر اداره می‌شود. سپس، در زمان پادشاه پنج‌ساله، روم پاپی برای حفاظت از منافع خود، که همان کلیسای اوکراین است، مداخله می‌کند.

پاپیت میان ارتدکس روسی یا اوکراینی جانب هیچ‌یک را نمی‌گیرد؛ بلکه هر دو سوی ماجرا را به بازی می‌گیرد تا همه نهادهای دینی را زیر اقتدار خود، آن‌گونه که در اشعیا ۴ به تصویر کشیده شده است، درآورد.

و در آن روز هفت زن به یک مرد تمسک خواهند جست و خواهند گفت: «نان خود را خواهیم خورد و جامه خویش را خواهیم پوشید؛ فقط بگذار به نام تو خوانده شویم تا ننگ ما برداشته شود.» در آن روز، شاخه خداوند زیبا و پرچلال خواهد بود، و میوه زمین برای رستگان اسرائیل عالی و دلپسند خواهد شد. و واقع خواهد شد که هر که در صهیون باقی مانده باشد، و هر که در اورشلیم برجا مانده باشد، مقدس خوانده خواهد شد، یعنی هر کسی که در میان زندگان اورشلیم مکتوب شده باشد. اشعیا ۴:۳-۴

پاپ‌سالاری بر تمامی نهادهای دینی، که به صورت هفت زن نمایان شده‌اند، تسلط می‌یابد؛ یعنی بر همه کلیساهای آن هفت کلیسا می‌خواهند کاتولیک خوانده شوند، که به معنای جامع است، و آشکارا قوم خدا نیستند، زیرا قصد دارند جامه خود را بر تن کنند. یکپارچه شدن همه نهادهای دینی که می‌خواهند جامه‌های انسانی خویش را بر تن کنند، در زمانی رخ می‌دهد که آنان که در «اورشلیم مقدس خوانده خواهند شد»؛ یعنی هنگامی که شاخه خداوند از قومی لائودیکیه‌ای به قومی فیلادلفیایی دگرگون می‌شود، و در همان زمان پاپ‌سالاری سر همه نهادهای دینی می‌گردد، همان زمانی که او همچنین بر نهادهای سیاسی نیز به ریاست گماشته خواهد شد.

در سال ۱۹۸۹، کلیسای اوکراین نمادی از جارب کردن اتحاد جماهیر شوروی به‌وسیله پادشاه شمال بود، و پوتین خواهد کوشید رابطه پیشین اطاعت و انقیاد را بازگرداند، و جذام را بر پیشانی خود دریافت کند و آزار و جفایی را علیه دینی آغاز نماید که خواسته‌های او را نپذیرفت. آن آزار و جفا در ملت خود بطلمیوس، در شهر اسکندریه، رخ داد؛ از این‌رو کلیساهای درون روسیه که از روم تأثیر پذیرفته‌اند، به هدف پوتین و نیز به پایان او بدل خواهند شد. هنگامی که ترامپ برای نبرد پانیوم آماده می‌شود، رابطه آشکار او با حامی پادشاه کودک تضعیف‌شده مصر در سال ۲۰۲۵ مشخص می‌گردد. قدرت روم که در سال ۲۰۰ پیش از میلاد از پادشاه کودک مصر حمایت کرد، در آن هنگام از پادشاه کودک حمایت نخواهد کرد. او به پایان دادن به پادشاه کودک یاری خواهد رساند. روم به‌عنوان حامی مصر در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، نمایانگر روم به‌عنوان نابودکننده مصر در نبرد پانیوم است.

## میلری‌ها

میلری‌ها سه قدرت رومی را ندیدند؛ آنان فقط دو قدرت را دیدند، اما با این همه، حقیقت ایشان همچنان حقیقت بود. منطق نبوی انطیوخوس به‌عنوان نماد، به ما اجازه می‌دهد که آیه چهارده را در تاریخی به‌کار ببریم که بر آیه پانزده مقدم است، هرچند تاریخی که در آغاز این آیات را محقق ساخت، هم آیه چهارده و هم آیه پانزده را در سال ۲۰۰ پیش از میلاد قرار داد. من ادعا می‌کنم که آیه شانزده همان قانون یکشنبه به‌زودی‌درراه است، و آیه چهارده سال ۲۰۲۵ بود، و آیه پانزده نبرد هنوز آینده پانیوم است. انطیوخوس ثابت می‌کند که این سه نبرد یک خط نبوی‌اند، زیرا او در هر سه نبرد حضور دارد؛ اما او همچنین ادعایی را که من مطرح می‌کنم نیز ثابت می‌سازد: اینکه کاربرد ایام آخر این آیات، هنگامی که به‌درستی با روش «خط بر خط» تفکیک شود.

انتیوخوس در هر سه نبرد حضور داشت و در ایام آخر نماینده قدرت نیابتی پاپ‌سالاری در سال ۱۹۸۹ (ریگان و ایالات متحده)، ۲۰۱۴ (زلنسکی و اوکراین)، و سپس در نبرد پانیوم همان قدرت نیابتی ۱۹۸۹ است، زیرا عیسی همواره انتها را با ابتدا بازنمایی می‌کند. رونالد ریگان مرده و دفن شده است، پس شهادت تاریخی انتیوخوس با فهم میلریتی دقیق است، اما تابع قواعدی است که کاربرد «خط بر خط» را اداره می‌کنند. آخرین قدرت نیابتی پاپی در این آیات ترامپ است، هرچند از نظر تاریخی انتیوخوس در هر سه نبرد حضور داشت. برای آن‌که آیه سیزدهم تحقق یابد، ترامپ می‌بایست در انتخابات دوم شکست بخورد، زیرا در آیه سیزدهم او «بازمی‌گردد»، نیرومندتر از هر زمان، آن قدر نیرومند که گلوله‌ای از گوشش بگذرد؛ همان عضوی که همراه با شست دست راست و شست پای راست، هنگام تدهین کاهنان، باید به خون مسح می‌شد.

ریگن نمونه ترامپ بود، زیرا ریگن نخستین هشت رئیس‌جمهور پایانی از زمان آخر در سال 1989 است. لینکلن نمونه ترامپ بود، زیرا او نخستین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه بود. لینکلن به دست دموکرات‌های طرفدار برده‌داری، در ائتلاف با روم، ترور شد، و هر دو، رونالد ریگن و همتای پاپی او، ژان پل دوم، از سوءقصد‌ها جان سالم به در بردند. ترامپ در سال 2020 از نظر سیاسی ترور شد، با انتخابات دزدیده‌شده در تحقق مکاشفه، باب یازدهم، آیه هفتم، و سپس در سال 2024 در تحقق آیه یازدهم قیام کرد.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد، و بر ایشان غلبه خواهد یافت، و ایشان را خواهد کشت. ... و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد، و بر پای‌های خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر آنان که ایشان را می‌دیدند، مستولی گردید. مکاشفه 11:7، 11

رستاخیز ترامپ همان «بازگشت» او در آیه سیزده بود، و نیز موازاتی از یکی از ویژگی‌های روم را فراهم ساخت؛ زیرا روم «هشتمی است که از آن هفت است»، و ترامپ تصویری از روم است.

و آن وحشی که بود و نیست، خود او هشتمین است و از آن هفت است و به هلاکت می‌رود. مکاشفه 17:11.

دوره دوم ترامپ او را هشتمین رئیس‌جمهور از زمان ریگان می‌سازد، و از آنجا که او همچنین ششمین بود، ترامپ، در هم‌راستایی با پاپیت، «هشتم است و از آن هفت.» عدد هشت نماد رستاخیز است، که تأکید می‌کند او، به مثابه تصویری از پاپیت، لازم بود زخمی مهلک داشته باشد که شفا یافت تا بتواند «بازگردد.»

اور میں نے اُس کے سروں میں سے ایک کو گویا جان لیوا زخمی دیکھا؛ اور اُس کا مہلک زخم بھر گیا، اور ساری دنیا اُس حیوان کے پیچھے حیران ہوتی چلی گئی۔ مکاشفہ 13:3.

هنگامی که زخم مهلک شفا یابد، جهان «در پی وحش به شگفتی می‌افتد»، و هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۲۴ به عنوان هشتمین، که از آن هفت است، برخاست، او «بازگشت» و تمامی جهان از پی او به شگفتی افتاد.

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا به ایشان داخل شد، و بر پاهای خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر آنان که ایشان را می‌دیدند، مستولی گشت. و آوازی عظیم از آسمان شنیدند که به ایشان می‌گفت: بدین‌جا بالا آید. و در ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان ایشان را دیدند. مکاشفه 11:11، 12.

ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ «بازگشت»، و سپس در سال ۲۰۲۵ او و پاپ لئو هر دو به مقام خود منصوب شدند. عیسی هشدار مستقیم و عادلانه داد، برای هر که می‌خواست ببیند.



پس چون مکروہ ویرانی را کہ بہ واسطۂ دانیال نبی گفتہ شدہ است، ببینید کہ در مکان مقدس برپا ایستادہ است، (ہر کہ میخواند، دریابد). متی 24:15.

مرقس این را شاید اندکی روشن تر بیان می کند.

اما چون مکروہ ویرانی را کہ دانیال نبی از آن سخن گفتہ است، در جایی کہ نباید ایستادہ ببینید، (ہر کہ میخواند، دریابد)، آنگاہ آنان کہ در یہودیہ اند، بہ کویہا بگریزند. مرقس ۱۳:۱۴

مکروہ ویرانی روم ہے، اپنی تینوں ادوار میں۔ بت پرست روم، پاپائی روم، اور جدید روم—ہر ایک خدا کے لوگوں کے لیے تنبیہ کی ایک علامت ہے۔ اس تنبیہ کو اُس وقت پہچانا جانا ہے جب روم کسی ”مقدس جگہ“ میں ہو یا وہاں ہو ”جہاں اُسے نہ ہونا چاہیے“۔ کتاب مقدس میں جلیل القدر سرزمین، مقدس سرزمین ہے، اور ریاستہائے متحدہ روحانی جلیل القدر سرزمین ہے۔

اور خداوند، یہوداہ کو سرزمین مقدس میں اپنی میراث کے طور پر اختیار کرے گا، اور یروشلم کو پھر چن لے گا۔ اے تمام بشر، خداوند کے حضور خاموش رہو، کیونکہ وہ اپنے مقدس مسکن سے اُٹھ کھڑا ہوا ہے۔ زکریا 2:12، 13.

.Cuando veáis a Roma en pie en el lugar santo, el Señor estará escogiendo a Jerusalén como Su pueblo del pacto por última vez. Cuando Reagan, el primero de ocho presidentes, concertó una alianza secreta con el anticristo de la profecía bíblica, ello representó una alianza abierta con Roma por parte del octavo y último presidente desde el tiempo del fin en 1989. Los símbolos omega a menudo invierten los atributos del símbolo alfa

اقتتاح خدمتِ پاپ لیو و ترامپ در سال ۲۰۲۵، وجودِ رابطہ ای آشکار میان وحش دریا و وحش زمین مکاشفہ سیزدہم را نمایان می سازد۔ این بازگشتِ معکوس بہ اتحادی آشکار میان ترامپ و لیو، کہ بہ وسیلہٴ اتحادِ پنهانی ریگان و ژان پل دوم نمونہ وار گردیدہ بود، بہ ما آگاہی می دہد کہ حمایت از پادشاہِ کودکیِ مصری، کہ در سال ۲۰۰ پیش از میلاد آیہٴ چہارہ را بہ انجام رساند، در ایامِ آخر نمایانگر نبودِ حمایت است۔

۲۰۲۵ رؤیت یا نبوتِ بنیادی بیرونی را برقرار می سازد، زیرا روم را بہ عنوان آن ہشدار روم برمی افرازد کہ دانیال آن را با نمادِ «مکروہ ویرانی» مشخص می کند۔ ہشدار مکروہ ویرانی پیش از آن ویرانگری ای رخ می دہد کہ با «ویرانی» بازنمایی شدہ است۔ در محاصرہ اورشلیم زیر فرمانِ کستیسوس، این ہشدار با افراشتہ شدن درفش های اقتدار روم در درونِ محوطہ های مقدس معبد نمود یافت۔ آنان کہ دیدند، فہمیدند، اطاعت کردند و شہر را ترک گفتند، ہنگامی کہ محاصرہ از سر گرفتہ شد محفوظ ماندند۔ ایشان نشانہٴ ہشدار دہندہ رومی را دیدند۔ مسیحیانی کہ از کلیسای سازش کردہ پرغامس و سپس از کلیسای طیاتیرا جدا شدند، ہنگامی بہ بیابان گریختند کہ دیدند مردِ گناہ در ہیکل خدا نشستہ است۔ آن شاہدان، ہشدار از مکروہ ویرانی را کہ دانیال دربارہ اش در ایامِ آخر سخن گفتہ است، مشخص می سازند۔

ہم بارہا یہ دکھا چکے ہیں کہ 1888 سیسٹینس کا محاصرہ تھا، اور سنڈے لا کے بحران کا اختتام طیطس کا محاصرہ ہے۔ 1880ء کی دہائی میں بلیئر سنڈے لا کے بل، اور ان کے ساتھ 1880ء کی دہائی ہی میں بعض جنوبی ریاستوں میں نافذ کیے گئے سنڈے لاز، سیسٹینس کی اُس تنبیہ کے مانند تھے جس نے سسٹر واٹ کی دیہی سکونت سے متعلق مشورت میں حدِ فاصل کو بھی نشان زد کیا۔ 1880ء کی دہائی سے پہلے اُن کی مشورت یہ تھی کہ مستقبل میں ہمیں دیہات کی طرف منتقل ہونا پڑے گا، لیکن 1880ء کی دہائی کے بعد دیہی سکونت ایسی چیز تھی جو پہلے ہی اختیار کی جا چکی ہونی چاہیے

تھی۔ بلیئر بلز کی تنبیہی علامت، جو 1880ء کی دہائی میں پاپائی اقتدار کی مہر اختیار کے فروغ پر ہونے والی بحث کے ساتھ سامنے آئی، 9/11 کے موقع پر پیٹریاٹ ایکٹ کی تمثیل تھی، کیونکہ مکاشفہ اٹھارہ کا فرشتہ ان دونوں تواریخ میں ظاہر ہوا تھا۔

۹/۱۱ همان هشدار سیستمی بود که اقتدار خود را در جای مقدس، آنجا که نباید می‌بود، قرار داد؛ زیرا در ۹/۱۱ قانون رومی جایگزین قانون انگلیسی شد. در محاکمات پلوسی در سال ۲۰۲۱، بند آیین دادرسی قانونی مردود شمرده شد، و این گام دیگری به سوی محاصره تیتوس را بازنمایی می‌کند، محاصره‌ای که در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع در ایالات متحده پایان می‌یابد. محاصره دوره‌ای از زمان است. ۱۸۸۸ به شورش شاخ پروتستان داخلی اشاره دارد، و ۹/۱۱ به شورش شاخ جمهوری خواه خارجی اشاره می‌کند. آغاز منصب پاپ از سرزمین جلال در همان سالی که رئیس‌جمهور نهایی نیز بر مسند می‌نشیند، هشدار نهایی را از مکروه ویرانگر که در جایی ایستاده است که نباید بایستد، درست پیش از نبرد پانیوم، بازنمایی می‌کند. نبرد پانیوم مستقیماً به قانون یکشنبه‌ای و نبرد آکتیوم می‌انجامد، نبردی که سومین و آخرین مانع برای روم بت‌پرست را نمایندگی می‌کرد، و سپس روم بت‌پرست به مدت ۳۶۰ سال در تحقق دانیال ۱۱:۲۴ به گونه‌ای برتر فرمان راند. در قانون یکشنبه‌ای، پادشاهی‌های ششم و هفتم هر دو به دست روم مغلوب می‌شوند، و سپس روم مدرن برای یک ساعت نمادین، یا چهل‌ودو ماه نمادین، سلطنت می‌کند.

در آیه شانزدهم، پومپه، که به تازگی نخستین موانع روم بت‌پرست، یعنی سوریه، را مغلوب ساخته است، سپس اورشلیم را نیز فتح می‌کند. پومپه دو مانع نخست روم را از میان برمی‌دارد و اوگوستوس سزار سومی را در آکتیوم مغلوب می‌سازد. روم معاصر نخست در سال ۱۹۸۹ پادشاه جنوب را، در تحقق آیه چهل و به همان گونه که در آیه ده به صورت نمونه آمده است، مغلوب می‌کند. سپس در هنگام قانون یکشنبه، روم معاصر دومین و سومین مانع خود را به واسطه ایالات متحده مغلوب می‌سازد و آنگاه سازمان ملل متحد بی‌درنگ موافقت می‌کند که پادشاهی خویش را به قدرت پاپی واگذارد. روم بت‌پرست به وسیله پومپه دو مانع را مغلوب کرد و سپس یکی دیگر را، و روم پاپی یکی را در سال ۱۹۸۹ مغلوب ساخت و سپس دو مانع بعدی خود را در آیه شانزدهم مغلوب می‌کند، همان جایی که پومپه با دومین فتح خود مشخص شده است.

خواه این سومین مانع در آکتیوم برای روم بت‌پرست بوده باشد، و خواه آن هنگام که سومین مانع، که به وسیله بیرون رانده شدن گوت‌ها از شهر روم در سال ۵۳۸ نمایان شد، از میان برداشته شد، هرگاه روم بر سومین مانع چیره می‌شود، به گونه‌ای مطلق فرمان می‌راند.

یقیناً خداوند یهوه هیچ کاری نمی‌کند، مگر آنکه راز خود را بر بندگان خویش، انبیا، مکشوف سازد. عاموس ۳:۷

خداوند بی‌تردید پیش از آن که ویرانی فرا رسد، تجلی نهایی نشان هشدار را که در کتاب دانیال به صورت «مکروه ویرانگر» معرفی شده است، عطا خواهد کرد. آن نشان هشدار، همان ائتلاف آشکار است، در تقابل با ائتلاف پنهانی ریگان که در سال ۲۰۲۵ به تصویر کشیده می‌شود. خداوند مجازات را بدون آن که نخست هشدار داده باشد، نازل نخواهد کرد؛ و عاموس با صراحت کامل بیان می‌کند که مکاشفه سری او به بندگان چپست و خطاب آن متوجه چه کسانی است.

اے بنی اسرائیل، اس کلام کو سنو جو خداوند نے تمہارے خلاف، اُس سارے خاندان کے خلاف جو میں مصر کی سرزمین سے نکال لایا، فرمایا ہے: روئے زمین کے سب خاندانوں میں سے فقط تم ہی کو میں نے جانایا ہے! اس لیے میں تمہاری سب بدکرداریوں کی سزا تم کو دوں گا۔ عاموس 2:3، 2

عاموس در حال خطاب قرار دادن آخرین نسل از قوم برگزیده و عہدی خداست کہ باید مجازات شوند، در ہم‌سویی با آن بیست‌وینچ مردی کہ در حزقیال ہشت در برابر خورشید سجدہ می‌کنند. عاموس پیام لائودیکہ را عرضہ می‌کند، کہ همان پیام فرشتہ سوم است در ہنگام محو شدن گناہ، در زمان داوری زندگان. ہشدار عاموس بر اتحاد دو گروہ استوار است.

کیا دو آدمی ایک ساتھ چل سکتے ہیں، جب تک کہ اُن میں باہمی موافقت نہ ہو؟ کیا شیر جنگل میں دھاڑے گا، جب اُس کے لیے کوئی شکار نہ ہو؟ کیا جوان شیر اپنی ماند سے غرائے گا، اگر اُس نے کچھ بھی نہ پکڑا ہو؟ کیا کوئی پرندہ زمین پر پھندے میں پھنس سکتا ہے، جہاں اُس کے لیے کوئی جال نہ بچھا ہو؟ کیا کوئی آدمی زمین سے پھندا اٹھائے گا، حالانکہ اُس میں کچھ بھی نہ پھنسا یا ہو؟ کیا شہر میں نرسنگا پھونکا جائے، اور لوگ نہ ڈریں؟ کیا کسی شہر میں آفت آئے، اور خداوند نے اُسے نہ کیا ہو؟ عاموس 3:3-6.

ہشدار دو نفری کہ ہمچون یک تن با ہم راہ می‌روند، در بستر دامی قرار دادہ شدہ است کہ پرندہ‌ای را از زمین گرفتار می‌سازد. پرندگان نماد ہیئت‌های دینی هستند، و پاپیت در مکاشفہ قفسی است برای ہر پرندہ ناپاک و مکروہ.

اور اُس نے بڑے زور کی آواز سے پکار کر کہا، عظیم بابل گر پڑا، گر پڑا، اور شیاطین کا مسکن، اور ہر ناپاک روح کی پناہ گاہ، اور ہر ناپاک اور مکروہ پرندے کا پنجرہ بن گیا ہے۔ کیونکہ سب قومیں اُس کی زناکاری کے غضب کی بے پی چکی ہیں، اور زمین کے بادشاہوں نے اُس کے ساتھ زناکاری کی ہے، اور زمین کے سوداگر اُس کی عیش و عشرت کی فراوانی سے مالدار ہو گئے ہیں۔ مکاشفہ 18:2، 3.

پرندہ‌ای در قفس، پرندہ‌ای اسیر است؛ و ہنگامی کہ امتی با فاحشہ روم زنا می‌کند، بہ پرندہ‌ای اسیر بدل می‌شود. و آن پرندہ‌ای کہ بر فراز ہمہ دیگر پرندگان نبوی برافراشتہ می‌شود، همان قدرتی است کہ خانہ سہ گانہ‌اش بنا می‌گردد، در قانون یکشنبہ استقرار می‌یابد، در جایگاہ خود، کہ شینعار است، کہ همان بابل است. این همان پرندہ‌ای است کہ در سال 1798 زخم مہلکی دریافت کرد، یا چنان کہ زکریا بیان می‌دارد، پوششی از سرب بر سید آن نہادہ شد؛ اما پس از آن، بہ وسیلہ پرندگان روح‌گرایی و پروتستانتیسیم مرتد برافراشتہ شد.

پس آن فرشتہ‌ای کہ با من سخن می‌گفت بیرون آمد و بہ من گفت: «اکنون چشمان خود را برافراز و ببین این چیست کہ بیرون می‌آید.» و گفتم: «این چیست؟» و او گفت: «این ایفایی است کہ بیرون می‌آید.» و نیز گفت: «این است ہیئت ایشان در تمامی زمین.» و اینک، وزنہ‌ای از سرب برداشتہ شد؛ و این زنی بود کہ در میان ایفا نشستہ بود. و او گفت: «این شرارت است.» پس او را بہ میان ایفا افکند، و وزنہ سرب را بر دہانہ آن افکند. آنگاہ چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک دو زن بیرون آمدند، و باد در بال‌های ایشان بود؛ زیرا بال‌هایی مانند بال‌های لک‌لک داشتند؛ و ایفا را در میان زمین و آسمان برداشتند. پس بہ آن فرشتہ‌ای کہ با من سخن می‌گفت، گفتم: «اینہا ایفا را بہ کجا می‌برند؟» و او بہ من گفت: «تا برای آن در زمین شینعار خانہ‌ای بنا کنند؛ و آن استوار خواہد شد و در آنجا بر پایہ خود قرار دادہ خواہد شد.» زکریا ۵:۵-۱۱.

دام عاموس پرندہ را از زمین می‌گیرد، زیرا نمایانگر اتحادی است کہ پیش از قانون یکشنبہ‌ای بہ‌زودی آمدنی پدید می‌آید؛ همان‌جا کہ پرندہ زمینی گرفتار می‌شود. و بنا بر عاموس، این اتحادی توییخی است بر ادونتیسیم لائودیکہ‌ای روز ہفتم، زیرا شیپور اندازی در شہر نواختہ خواہد شد کہ ایشان از شنیدن آن سر باز خواہند زد.

آیا کرنا در شہر نواختہ شود و قوم نترسند؟ آیا در شہری بلایی واقع گردد و یہوہ آن را نکرده باشد؟ بہ‌راستی خداوندگار یہوہ ہیچ کاری نمی‌کند، مگر آنکہ راز خویش را بر بندگان خود، انبیا،

مکشوف سازد. شیر غریده است؛ کیست که نترسد؟ خداوندگار یهوه سخن گفته است؛ کیست که نبوت نکند؟ عاموس ۳:۶-۸.

شیری که غرش می‌کند، شیر سبط یهوداست که مسیح را نمایندگی می‌کند هنگامی که کلام نبوی خود را مهر می‌نهد و مهر آن را می‌گشاید. ائتلاف آشکار ۲۰۲۵ همان محاصره کیستیوس است، و نماد راهزنان قوم خدا زمانی برقرار می‌شود که دو چیز را در حال همراهی ببینید که هرگز نباید همزیست باشند. روم که با پروتستان‌ها متحد و هم‌سو گردد، خود تناقضی درونی است؛ زیرا پروتستان بودن یعنی بر ضد روم اعتراض کردن.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

### بہت دیر ہو چکی ہے کہ پھندے سے بچ نکلا جائے

«recuérdese que es jactancia de Roma afirmar que ella nunca cambia. Los asegurado» principios de Gregorio VII y de Inocencio III siguen siendo los principios de la Iglesia Católica Romana. Y si tan solo tuviera el poder, los pondría en práctica ahora con tanto vigor como en los siglos pasados. Los protestantes poco saben lo que hacen cuando se proponen aceptar la ayuda de Roma en la obra de la exaltación del domingo. Mientras están empeñados en el logro de su propósito, Roma procura restablecer su poder, recobrar su supremacía perdida. Establézcase una vez en los Estados Unidos el principio de que la iglesia puede emplear o controlar el poder del Estado; de que las observancias religiosas pueden ser impuestas por leyes seculares; en suma, de que la autoridad de la iglesia y del Estado ha de dominar la conciencia, y el triunfo de Roma en este país quedará asegurado»

"کلام خدا از خطر قریب‌الوقوع هشدار داده است؛ اگر به این هشدار اعتنا نشود، جهان پروتستان تنها هنگامی خواهد آموخت که مقاصد روم در حقیقت چیست، که دیگر برای گریختن از دام بسیار دیر شده باشد. او در سکوت در حال رشد یافتن به‌سوی قدرت است. تعالیم او نفوذ خود را در تالارهای قانون‌گذاری، در کلیساها، و در دلهای انسان‌ها اعمال می‌کنند. او بناهای عظیم و رفیع خود را بر هم انباشته می‌سازد که در نهانگاه‌های پنهان آن‌ها، آزارهای گذشته‌اش بار دیگر تکرار خواهند شد. او پنهانی و بی‌آنکه مورد ظن قرار گیرد، نیروهای خود را تقویت می‌کند تا هنگامی که زمان وارد آوردن ضربه‌اش فرا رسد، مقاصد خویش را پیش ببرد. تمام آنچه او می‌خواهد، موضع برتر است، و این هم‌اکنون نیز به او داده می‌شود. ما به‌زودی خواهیم دید و احساس خواهیم کرد که مقصود عنصر رومی چیست. هر که به کلام خدا ایمان آورد و از آن اطاعت کند، بدین‌سان ملامت و آزار را بر خود هموار خواهد ساخت." نبرد عظیم، 581.

"دنیاپی هست که در شرارت، در فریب و ضلالت، و در خود سایه موت آرمیده است—خفته، خفته. چه کسانی درد جان می‌کشند تا آنان را بیدار کنند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ ذهن من به آینده برده می‌شود، آنگاه که این ندا داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» اما بعضی در به‌دست‌آوردن روغن برای پر کردن چراغ‌های خود تأخیر کرده خواهند بود، و آنگاه بسیار دیر درمی‌یابند که منش، که به‌وسیله روغن نمادین شده است، انتقال‌پذیر نیست. آن روغن، پارسایی مسیح است. آن نماینده منش است، و منش انتقال‌پذیر نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای دیگری فراهم سازد. هر کس باید برای خود، منش پاک‌شده از هر لکه گناه را به دست آورد." Bible Echo، 4 مه 1896.

«آنگاه که جان‌های بینوا را می‌دیدم که از نداشتن حقیقتِ حاضر جان می‌سپارند، و بعضی که به ظاهر اقرار می‌کردند به حقیقت ایمان دارند، با بازداشتن وسایلِ ضروری برای پیشبردِ کارِ خدا، آنان را به حال مرگ وا می‌گذاشتند، این منظره چنان دردناک بود که از فرشته التماس کردم آن را از من دور سازد. دیدم هنگامی که آرمانِ خداوند بخشی از اموال ایشان را طلب می‌کرد، مانند آن جوانی که نزد عیسی آمد (19:16-22) 19:16-22) اندوهگین باز می‌گشتند؛ و اینکه به زودی بلای سرریزکننده از فراز خواهد گذشت و دارایی‌های آنان را یکسره خواهد روبید، و آنگاه دیگر برای قربانی کردن اموالِ زمینی و اندوختنِ گنجی در آسمان بسیار دیر شده خواهد بود.» Early Writings, 49

«یهودا دید که التماس‌هایش بی‌ثمر است، و با شتاب از تالار بیرون رفت و فریادکنان گفت: دیگر دیر شده است! دیگر دیر شده است! او احساس می‌کرد که نمی‌تواند زنده بماند تا مصلوب شدن عیسی را ببیند، و در نومی‌دی بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد.» آرزوی اعصار، 722.